ابعاد حج در قرآن ( 1 )

ناصر شكريان

پيشگفتار

به راستي حج ، اين مراسم با شكوه چيست كه عظمت آن امام مجتبي ( عليه السلام ) را دست كم بيست بار پياده از مدينه به مكه كشاند ( 1 ) و هيبت لبيك آن ، امام صادق و امام سجاد ( عليهما السلام ) را لرزاند ( 2 ) و هر ساله به هنگام فرا رسيدن موسم اين فريضه الهي ، جنب و جوش عجيبي ميان مسلمانان جهان بهوجود آورده و ميليون ها مسلمان مشتاق را از گوشه و كنار جهان با سختي ها و مشكلات ، به سوي خانه خدا فرا مي خواند ؟ !

با نگاه اجمالي به آنچه كه در قرآن و روايات آمده ، مي توان ادعا كرد كه : حج ، عصاره اسلام و معادل شريعت است ؛ چنانكه پيامبر گرامي اسلام ( صلّي الله عليه وآله ) در بيان علل فرايض الهي ، حج را معادل همه دين و شريعت شمرده است ؛ « والخامسة الحجّ وهي الشريعة » . ( 3 ) حج ، نمونه و نماد كوچكي است از اسلام بزرگ . گويي خداوند متعال اراده كرده است كه اسلام را در همه ابعادش ، در يك عبادت جاي دهد تا حاجي تمام اسلام را يكباره تجربه كند ؛ چه اين كه حج مشتمل است بر توحيد ، معاد ، نبوت ، امامت ، اخلاق و معنويت ، عبادت بدني و مالي ، تعاون و ايثار ، تعامل ، وحدت ، سياست ، اقتصاد و . . .

حج سيري معنوي است و نمايشگر بندگي محض خدا و جستجوي عاشقانه معبود ،

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . بحار الأنوار ، ج43 ، ص332

2 . المراقبات ، ص204 و محجة البيضاء ، ج2 ، ص201 و بحار الأنوار ، ج47 ، ص16

3 . وسائل الشيعه ، ج1 ، ص26

7

كه حاجي از همان آغاز ، وقتي به نيت حج از خانه و كاشانه اش خارج مي شود و تا ميقات و احرام و طواف و سعي و عرفات و مشعر و منا ، همه جا خدا را مي جويد و از سوي ديگر تمريني است براي خودسازي و تزكيه نفس و زدودن هرچه كه موجب خودآرايي است و يادآور عرصه قيامت و صحنه محشر است .

ـ از نگاهي ديگر ، در حج ، بازسازي پايگاه توحيد به دست ابو الأنبيا ؛ حضرت ابراهيم خليل است كه در اين راستا ، بت شكني ها ، فداكاري ها ، ايثارگري ها ، هجرت ها و . . . جلوه گر مي شود .

ـ از زاويه ديگر ، بازنگري تاريخ نوراني انبيا و اولياي الهي ؛ از آدم تا ابراهيم و از خاتم انبيا و تا خاتم اوصيا ( عليهم السلام ) است كه به انسان ها مي آموزد در راه دين و مكتب ، بايد از ديار ، مال و فرزند و علقه هاي زندگي بريد و همه دعوت هاي گوناگون را نشنيده گرفت و فقط به مبدأ لايزال الهي پاسخ مثبت داد .

ـ و نيز حج رزمايش سياسي ـ اجتماعي و بسيجي توحيدي بر ضدّ همه نوع شرك و كفر است و با داشتن اين بار سياسي ، مي تواند هر سال تحوّلي بنيادين در اوضاع سياسي جهان اسلام به وجود آورد .

ـ حج ، رويه اي اقتصادي است كه رشد اقتصادي كشورهاي اسلامي در گرو تبادل فرآورده هاي صنعتي و دست آوردهاي علمي و بازار بين الملل اسلامي در ايام حج مي باشد .

و نمايشي است از وحدت و اخوت جهاني مسلمانان ، كه در پرتو آن ، مي توان انواع مشكلات و مسائل اجتماعي ، سياسي ، اقتصادي و فرهنگي را بررسي و چاره جويي كرد و عزّت و عظمت و شكوه اسلام و مسلمين را در سطح جهان به نمايش گذاشت كه در اين صورت ، رعب و وحشتي در ميان حكومت هاي استكباري و وابسته ايجاد مي گردد و سلاح هاي زنگ زده تفرقه خنثي خواهد شد و به حق اين اجتماع منسجم و عظيم را هيچ قدرتي ، جز قدرت لايزال الهي ، نمي تواند فراهم آورد .

و بالاخره موسم حج فرصتي بسيار مناسب براي نشر فرهنگ اصيل اسلامي در ميان مسلمانان جهان است كه در آن ، ايمان حاجي از ناخالصي ها پاك ( 1 ) مي شود و حج گزار به فرهنگ ناب محمدي دست مي يابد و با آثار ابراهيم خليل و پيامبر گرامي اسلام آشنا ( 2 ) و در نتيجه هرگونه فرهنگ استعماري از جوامع مسلمين زدوده مي شود .

اگرچه در عصر حاضر ، به شكل ظاهريِ حج اكتفا مي گردد و اين آثار عظيم و منافع وسيع ، نصيب مسلمين نمي شود ، اما اين به خاطر عدم توانمندي اين كنگره عظيم نيست ، بلكه ناشي از توطئه دشمنان اسلام و غفلت و تفرقه مسلمانان است .

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . امام سجاد ( عليه السلام ) : « حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا . . . يَصْلُحْ إِيمَانُكُمْ . . . » بحار ، ج96 ، ص25

2 . امام صادق ( عليه السلام ) در بيان فلسفه حج فرمود : « . . . وَلِتُعْرَفَ آثَارُ رَسُولِ اللَّهِ ( صلّي الله عليه وآله ) وَتُعْرَفَ أَخْبَارُهُ » ، همچنانكه امام رضا ( عليه السلام ) فرمود : « . . . مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّفَقُّهِ وَنَقْلِ أَخْبَارِ الاَْئِمَّةِ ( عليهم السلام ) » . وسائل ، ج11 ، ص13 و 14

8

بررسي و پژوهش در تاريخ ، ثابت مي كند كه اين فريضه الهي همواره از سوي سران شرك و كفر و حاكماني كه بقاي خود را در زانو زدن برابر قدرت هاي استكباري مي دانند يا قدرت حاصله از وحدت مسلمانان را در جهت منافع خود نمي دانند ، سعي در بي محتوا كردن اين مراسم باشكوه و وحدت آفرين و دشمن شكن داشته و دارند كه بدترين و شيطاني ترين راه براي تحقّق اين هدف شوم ، بي محتوا كردن حج و اكتفا نمودن به شكل ظاهري آن است .

البته اين نخستين بار نيست كه حج دچار تحريف و قلب ماهيت شده ، بلكه همواره ، همه كساني كه به گونه اي منافعشان با انجام مراسم صحيح حج به خطر مي افتد ، سعي داشته اند كه به گونه اي آن را تحريف نمايند و حضرت ابراهيم خليل يكي از پيامبراني است كه مأموريت يافت كعبه و حج را از هرگونه انحراف ، پاكسازي و به معناي حقيقي آن برگرداند . ( 1 )

اما چيزي نگذشت كه اين مركز توحيد تبديل به بت خانه شد و اعمال حج دچار انحرافي ترين بدعت ها و تحريف ها گرديد و پايگاه توحيد مبدّل به بت و بت پرستي و عبادت مردم در پاكترين مركز به صورت صوت و صفير ( 2 ) درآمد ؛ به گونه اي كه هر گروهي به بتي تعلّق داشت و سر بر آستان آن خم مي كرد و هرگونه كه منافع آن ها اقتضا داشت ، در مراسم و ماه هاي حج دخل و تصرف مي كردند تا اين كه پيامبر گرامي اسلام ( صلّي الله عليه وآله ) در فتح مكه ، كعبه را از هرگونه مظاهر شرك و كفر پاكسازي و با حضور خود در حَجّة الوداع ، آثار توحيدي حج را به نمايش عموم گذاشت و علاوه بر تعليم عملي مناسك حج و زدودن بدعت ها و انحراف ها از مراسم باشكوه حج ، تمامي قدرت اسلام و عظمت مسلمين را به نمايش گذاشت و دشمنان را در برابر اين عظمت و شكوه ، به خضوع و عجز واداشت و به مسلمانان آموخت كه چگونه مي توان در برابر دشمنان اسلام ، از نيروهاي پراكنده صف واحدي را تشكيل داد .

در چند قرن اخير هم پاي استعمار به كشورهاي اسلامي باز شد و كنگره عظيم حج را مانع بزرگ در سر راه منافع خود احساس كردند ، با استفاده از تجربيات تحريف كنندگان پيشين ، در صدد برآمدند كه حج را در ظاهر حفظ و از درون تهي و بي محتوا سازند و لذا آن را در قالب عملي فردي و عبادي و بدور از هرگونه فوايد جمعي و اجتماعي مطرح كردند كه متأسفانه با همراهي گروهي از علماي وابسته و درباري ، اين اهداف شوم به ثمر رسيد و دگر بار حج دچار تحريف گرديد .

با پيروزي شكوهمند انقلاب اسلامي ايران ، آهنگ حركت ، به سوي حج واقعي به

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . { وَعَهِدْنا إِلي إِبْراهِيمَ وَإِسْماعِيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ . . . } ، بقره : 125

2 . { وَما كانَ صَلاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلاّ مُكاءً وَتَصْدِيَةً . . . } . انفال : 35

9

وسيله احياگر حج ابراهيمي ، حضرت امام خميني ( قدس سره ) نواخته شد و در پيامي به حجاج بيت الحرام فرمودند :

« بزرگترين درد جوامع اسلامي اين است كه هنوز فلسفه واقعي بسياري از احكام الهي را درك نكرده اند و حج با آن همه راز و عظمتي كه دارد هنوز به صورت يك عبادت خشك و يك حركت بي حاصل و بي ثمر باقي مانده است . يكي از وظايف بزرگ مسلمانان پي بردن به اين واقعيت است كه حج چيست و چرا براي هميشه بايد بخشي از امكانات مادي و معنوي خود را براي برپايي آن صرف كنند . چيزي كه تا به حال از ناحيه ناآگاهان و يا تحليل گران مغرض و يا جيره خواران ، به عنوان فلسفه حج ترسيم شده است ، اين است كه حج يك عبادت دسته جمعي و يك سفر زيارتي ـ سياحتي است .

به حج چه ، كه چگونه بايد زيست و چطور بايد مبارزه كرد و با چه كيفيت در مقابل جهان سرمايه داري و كمونيسم ايستاد !

به حج چه ، كه حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمين بايد ستاند !

به حج چه ، كه بايد براي فشارهاي روحي و جسميِ مسلمانان چاره انديشي نمود !

به حج چه ، كه مسلمانان بايد به عنوان يك نيروي بزرگ و قدرت سوم جهان ، خودنمايي كنند !

به حج چه ، كه مسلمانان را عليه حكومت هاي وابسته بشوراند ، بلكه حج همان سفر تفريحي براي ديدار قبله و مدينه است و بس ! حال آن كه حج براي نزديك شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است و حج تنها حركات و عمل و لفظ ها نيست و با كلام و لفظ و حركت خشك ، انسان به خدا نمي رسد . حج كانون معارف الهي است كه از آن محتواي سياست اسلام را در تمام زواياي زندگي بايد جستجو نمود . . .

ولي چه بايد كرد و اين غم بزرگ را به كجا بايد برد كه حج بسان قرآن مهجور گرديده است و به همان اندازه اي كه آن كتابِ زندگي و جمال ، در حجاب هاي خود ساخته ما پنهان شده است و اين گنجينه اسرار آفرينش در دل خروارها خاك كج فكري هاي ما دفن و پنهان گرديده است و زبان انس و هدايت و زندگي و فلسفه زندگي ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل كرده است ، حج نيز به همان سرنوشت گرفتار گشته است . » ( 1 )

روشن است تبيين ابعاد وسيع حج و ارائه تصوير واقعي از اين فريضه كم نظير الهي ، بر عهده كساني است كه علاقه به تجديد شكوه و عظمت اسلام و مسلمين دارند تا بدينوسيله حج ابراهيمي ـ محمدي را از مهجوريت و مظلوميت و حجاب خودساخته

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . حج در كلام و پيام امام خميني ، صص69 ، 71 ، 72 و 73

10

بيرون آورند و با ارائه تفسيرهاي صحيح و واقعي از فلسفه حج ، همه يافته ها و تافته هاي خرافاتي علماي درباري و تحليل هاي مغرضانه استكباري را به دور بريزند تا همه مسلمانان از زلال حكمت و معرفت و آثار توحيدي آن ، تا ابد سيراب گردند ؛ چنانكه حضرت امام خميني ( قدس سره ) احياگر حج ابراهيمي در قرن حاضر فرمود :

« حج بسان قرآن است كه همه از آن بهره مند مي شوند ولي انديشمندان و غواصان و دردآشنايان امت اسلامي ، اگر به درياي معارف آن بزنند و از نزديك شدن و فرو رفتن در احكام و سياست هاي اجتماعي آن نترسند ، از صدف اين دريا گوهرهاي هدايت و رشد و حكمت و آزادگي را بيشتر صيد خواهند نمود و از زلال حكمت و معرفت آن تا ابد سيراب خواهند گشت . » ( 1 )

اين نوشتار كه با محوريت متقن ترين منبع اسلامي ؛ يعني قرآن كريم تدوين شده ، تلاش اندكي است در معرفي ابعاد معنوي و عرفاني ، سياسي ، اجتماعي ، فرهنگي و اقتصادي حج تا زائران خانه خدا با آشنايي بيشتر در اين كنگره عظيم حج شركت كنند و اين فرصت طلايي كم نظير را ، با انجام مراسم تشريفاتي و بي ثمر ، از دست ندهند ؛ چه اين كه حضرت امام خميني ( قدس سره ) فرمود :

« بزرگترين درد جوامع اسلامي اين است كه هنوز فلسفه حج را درك نكرده اند . »

1 ـ بُعد معنوي و عرفاني حج

عبادات كه به عنوان هدف آفرينش انسان ( 2 ) تعيين شده ، اسراري دارد كه اين اسرار غير از آداب و احكام ظاهري عبادات مي باشد . نوعاً عبادات و فرايض الهي با اختلاف درجات فراواني كه نسبت به هم دارند ، براي تقويت بُعد روحاني و نفساني و در جهت سير و سلوك انسان وضع شده تا از عوالم جسماني به عوالم روحاني تكامل يابند و به مقام قرب الهي برسند . چنانكه مرحوم ميرزا جواد آقا ملكي تبريزي ، عارف بزرگ در اين زمينه فرموده است :

« مقصود اصلي از تشريع حج و ساير عبادات ، تقويت بُعد روحاني انسان است و تكاليف و فرايض الهي از نظر خاصيت اثرگذاري در روح و جان انسان مختلف اند . بعضي اثر تطهير و تخليه را دارند كه ظلمت را از فضاي روح و جان بشر دور مي كند و بعضي ديگر موجب تحليه و تزيين جان و وسيله جلب نورانيت مي گردد . و دسته ديگر ، جامع هر دو اثر ( تخليه و تحليه ) هستند و حج از اين دسته سوم است ؛ زيرا حج يك معجون الهي

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . حج در كلام و پيام امام خميني صص69 ، 71 ، 72 و 73

2 . { وَما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَاْلإِنْسَ إِلاّ لِيَعْبُدُونِ } ذاريات : 56

11

است كه جميع امراض قلوب مثل بخل و استكبار و تنبلي و . . . را كه مانع نورانيت قلب ها هستند ، علاج مي كند . » ( 1 )

بنا بر اين ، حج از ميان عبادات و فرايض الهي ، دربر دارنده هر نوع آثار و اسراري است كه در عبادات ديگر وجود دارد ؛ چنانكه مرحوم علامه طباطبايي در اين مورد مي نويسد :

« وقتي كه سرگذشت ابراهيم ، آن چنان كه در قرآن بيان شده را ، به دقت مطالعه كنيم مي يابيم كه اين جريان يك دوره كاملي از سير عبوديت و بندگي خدا و به اصطلاح يك سير و سلوك معنوي است كه بنده از موطن خود تا قرب الهي را مي پيمايد و با پشت سر انداختن زخارف دنيا و لذائذ و آرزوهاي مادي و جاه و مقام و خلاصي از وسوسه هاي شيطاني به مقام قرب الهي دست مي يابد . اين وقايع و اعمال و نسك حج گرچه به ظاهر از هم جدا هستند ، اما مطالعه دقيق آن نشانگر دقايق آداب سير طلب و حضور مراسم حب و عشق و اخلاص و بالاخره بيرون آمدن از مقامات دانيه و پيوستن به مقامات عاليه است كه هرچه بيشتر درآن دقت شود حقايق تازه تر ونكات لطيف تر عايد انسان مي گردد . » ( 2 )

از اين رو ، خداوند متعال هم براي فراهم شدن اين سير بندگي و رسيدن به مقام قرب و حضور الهي و زيارت كعبه حقيقي ، به حضرت ابراهيم خليل الله و اسماعيل ذبيح الله مأموريت داد كه حريم خانه اش را از هر چيزي كه مانع اين سير و سلوك معنوي است ، پاكسازي كنند ( 3 ) تا زائران خانه اش تنها به او بينديشند و پيرامون او طواف كنند و از ظلمت رهايي يابند و بتوانند در خانه عشق ميهمان او شوند و آماده ملاقات با يگانه معبود عالم هستي گردند ؛ چنانكه همين مأموريت با همين هدف ، در سوره حج ، به گونه اي روشن تر و دقيق تر بيان شده است :

به خاطر بياور زماني را كه محلّ خانه كعبه را براي ابراهيم آماده ساختيم و به ابراهيم گفتيم كه اين خانه را كانون توحيد كن و چيزي را شريك من قرار مده و خانه ام را براي طواف گزاران و قيام كنندگان و راكعان و به سجده افتادگان پاك گردان ؛ { وَإِذْ بَوَّأْنا لاِِبْراهِيمَ مَكانَ الْبَيْتِ أَنْ لا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطّائِفِينَ وَالْقائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ } . ( 4 )

با توجه به تفسير بودن « أَنْ » براي تبوئه ، ( 5 ) به خوبي استفاده مي شود كه هدف از تبوئه ابراهيم در كنار خانه خدا ، دو چيز است و جامع هر دو اين است كه اين مكان مقدس مركز

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . المراقبات ، ص197

2 . الميزان ، ج1 ، ص298

3 . بقره : 125

4 . حج : 26

5 . الميزان ، ج14 ، ص368 ؛ تفسير روح المعاني ، ج7 ، ص143 ؛ تفسير كبير ، ج23 ، ص26

12

عبادت خدا قرار گيرد و هيچ چيز ديگر شريك پروردگار قرار داده نشود ؛ لذا براي تحقّق اين هدف مقدس ، به ابراهيم خليل ( عليه السلام ) دو مأموريت داده شد :

1 ) { . . . أَنْ لا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً . . . } 2 ) { . . . طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطّائِفِينَ . . . } .

يعني اي ابراهيم ، هدف از جاي گرفتن تو در اينجا سكني گزيدن نيست ، بلكه نبايد هيچ گونه شريكي براي من قرار بدهي ؛ چه شرك خفي و چه شرك جلي ، چه اين كه نكره در سياق نهي مفيد عموم است . { . . . لا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً . . . } ؛ بلكه بايد ساحت قدس كعبه را از هرچه كه شائبه شرك مي رود ، پاكسازي كني تا ديگران در اين مكان فقط مرا عبادت كنند و به هيچ چيز ديگر نينديشند . اين مطلب با عنايت به صدر آيه و تناسب كلمه و موضوع ، كه تطهير كعبه براي امور عبادي ؛ مانند طواف و عكوف و قيام و نماز است ، به خوبي فهميده مي شود ؛ همچنان كه استعمال ضمير متكلّم وحده ( « بي » ، « بيتي » ) بيانگر اين است كه اين خانه ، خانه خداست . پس بايد تنها خداوند مورد پرستش واقع شود .

مرحوم علامه طباطبايي در توضيح آيه مي نويسد : مراد از آماده ساختن كعبه براي ابراهيم اين است كه اين محل مرجع عبادت خدا قرار داده شود تا بندگان آنجا را خانه عبادت قرار دهند ، نه اين كه ابراهيم آن مكان را محل سكني و زندگي خود قرار دهد ؛ از اين رو ، خانه را به خودش نسبت داد و فرمود : « بَيْتِي » تا اعلان كند كه اين خانه ، كانون توحيد و مخصوص عبادت خداست و هيچ چيز نبايد شريك خداوند قرار داده شود و هدف ديگر اين بوده كه ابراهيم براي كساني كه قصد خانه خدا نموده اند ، عبادتي را تشريع كند كه خالي از هرگونه شائبه شرك باشد . ( 1 )

چيزي كه اين عبادت خالص را فاسد و از اختصاصي بودن خدا خارج مي كند و در نتيجه انسان را از بندگي و عبوديت منحرف مي سازد ، همانا « شرك » است . شرك انواع و اقسامي دارد كه در قرآن ، ظلم عظيم تلقّي شده است . ( 2 ) شايد هم در راستاي تحقّق همين هدف است كه بايد جمله : « لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْك » را تكرار كرد و به تعبير عارفانه امام خميني ( قدس سره ) :

« لبيك گويان براي حق نفي شريك به همه مراتب كنيد و از خود ، كه منشأ بزرگ شرك است ، به سوي او ـ جلّ و علا ـ هجرت نماييد . » ( 3 )

اين كه آيه : { وَ أَذِّنْ فِي النّاسِ بِالْحَجِّ . . . } بعد از آيه : { . . . وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطّائِفِينَ . . . } ( 4 ) ذكر شده ، شايد دليلش اين باشد كه ابراهيم ( عليه السلام ) ابتدا مأموريت يافت محيط كعبه را براي عبادت

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . الميزان ، ج14 ، صص348 و 367

2 . { . . . إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ . . . } . لقمان : 13

3 . حج در كلام و پيام امام خميني ( قدس سره ) ، ص10

4 . حج : 26

13

خالص از هرگونه مظاهر شرك و كفر پاك سازد و آنگاه دعوت عمومي كند تا طواف و نماز و ساير اعمال حج فقط براي او انجام پذيرد ؛ يعني اگر در گوشه و كنار جهان ، انواع و اقسام كنگره ها و اجتماعات براي اهداف خاصي تشكيل مي گردد ، هدف از كنگره جهاني حج ، سير الي الله و حضور در ميهمانسراي الهي و رسيدن به مقام قرب خداوند و آزاد شدن از هرگونه وابستگي و غل و زنجيرهايي است كه به دور خود كشيده است ؛ چه اين كه خانه خدا توصيف به عتيق ( 1 ) شده است و طواف پيرامون خانه عتيق بايد سبب آزادي از بند عبوديت غير خدا شود ؛ چنانكه ذبح و قرباني هم بايد موجب رهايي انسان گردد ، كه خداوند متعال درباره قرباني مي فرمايد : گوشت ها و خون هاي قرباني به خدا نمي رسد ، بلكه آنچه به خدا مي رسد تقوي و پرهيزكاري شماست . ( 2 )

يعني هدف از اين سفر الهي ، كسب تقوي و توشه معنوي است ؛ چنانكه فرمود : « ( در اين سفر ) زاد و توشه تهيه كنيد كه بهترين زاد و توشه پرهيزكاري است . اي صاحبان عقل و خرد ، از من بپرهيزيد . » ( 3 )

بديهي است ، تنها صاحبان عقل و خرد از اين سفر كسب تقوي مي كنند و با پيمودن مدارج تقوي ، به مقام قرب الهي مي رسند ؛ چه اين كه اگر تقوي به خدا مي رسد ؛ { . . . يَنالُهُ التَّقْوي مِنْكُمْ . . . } نفس متقي هم به خدا مي رسد ؛ چنانكه استاد آيت الله جوادي آملي در توضيح آيه فرمود :

تقوي ، با نفسِ متقي متّحد است و نفس متقي به خدا مي رسد و ممكن نيست كه تقوي به خدا برسد اما متقي نرسد . پس گوارا باد بر حج گزاري كه قرباني اش براي خدا باشد و غير خدا را در آن نبيند تا تقوايش به خدا برسد و در نتيجه ، خودش نيز به خدا برسد و شايد به خاطر همين تقواي ارزشمند و « موعود به » در نحر است كه روز نحر را « حج اكبر » خوانده اند ( 4 ) و اين كه در تفسير آيه { ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ . . . } ( 5 ) به ملاقات با امام معصوم اشاره شده ، شايد به اين جهت باشد كه زائرِ متقي با قرباني به خدا مي رسد و آلودگي هاي روح را با ملاقات با حجت خدا برطرف مي كند ؛ چنانكه امام صادق ( عليه السلام ) در اين زمينه فرمودند : « بايد آلودگي هاي روح و جان را در ملاقات با امام برطرف نمايند . » ( 6 )

حضرت ابراهيم ( عليه السلام ) نيز با طي اين منازل و مراحل حج ، به مقام والاي امامت نايل شد .

از آيات ديگري كه دلالت بر بُعد معنوي و عرفاني حج دارد ، آيه اي است كه اشاره به

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . { وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ . . . } ، { ثُمَّ مَحِلُّها إِلَي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ . . . } ، حج : 29 و 33

2 . حج : 27

3 . بقره : 197

4 . جرعه اي از بيكران زمزم ، ص143

5 . حج : 29

6 . نور الثقلين ، ج3 ، ص493 ؛ بحار الأنوار ، ج4 ، ص459

14

نتيجه اعمال حج مي كند ؛ « هنگامي كه مناسك حج را انجام داديد ، ذكر خدا بگوييد ؛ همانند يادآوري از پدرانتان بلكه شديدتر و بيشتر . » ( 1 ) يعني بعد از اعمال حج و پيمودن منازل آن ، بايد چنان حالت ذكري به زائر خانه خدا دست دهد كه غير خدا را فراموش كند ، دست كم مانند شور و سوزي كه در افتخار و مباهات به پدران خود ، در جاهليت داشتند ، بلكه « أَشَدُّ ذِكْراً » ؛ روشن است كه « أَشَدُّ ذِكْراً » كاري به كمّيت ذكر ندارد ، بلكه مربوط به توجه قلبي است . چه بسا كه ذكر قلبيِ با سوز و گداز ، به مراتب بهتر و برتر از گفتن يك عمر ذكر لفظي است . پس سرانجام حاجي مي تواند با توجه قلبي به خدا برسد ؛ چنانكه نبي گرامي اسلام ( صلّي الله عليه وآله ) در اين باره فرمود :

« هدف از وجوب نماز و حج و طواف و مناسك به پا داشتن ذكر الله در قلب و جان انسان است و الاّ آن نماز و حج چه ارزشي خواهد داشت ؟ ! » ( 2 ) از اين رو ، خداوند متعال در توصيف مؤمنان فرمود : « مؤمنان كساني هستند كه هر وقت نام خدا برده شود ، دل هايشان ترسان گردد . » ( 3 )

پس يكي از مناسب ترين مكان ها براي تحقّق ذكر قلبي ، مراسم با شكوه حج است و شاهد آن اين است كه در چندين آيه متذكّر همين مسأله در ايام حج شده است . ( 4 )

قرآن كريم آنجا كه در صدد بيان اهداف حج است ؛ « ذكر » را يكي از آن ها مي شمارد ؛ { . . . وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللهِ . . . } و هنگامي كه برنامه « هَدي » را در موارد متعدد بيان مي كند ، تذكر مي دهد كه هدف از نحر و ذَبح « ذكر الله » و « تقرّب الي الله » است .

از ميان آيات گذشته ، آيه 34 از سوره حج قابل توجه بيشتر است ؛ زيرا :

1 . علّت تشريع عبادات ، براي هر امتي ، يك چيز قرار داده شد و آن « ذكرالله » است تا به اين نكته توجه دهد كه مقصود اصلي مناسك ، ذكر خدا است ؛ چنانكه بعضي از مفسران گفته اند : « از اين كه در اين آيه مبارك ، تشريع نُسك را فقط به ذكر الهي تعليل آورده ، فهميده مي شود كه مهمترين هدف از تشريع عبادت ، ذكر الهي است . » ( 5 )

{ فَإِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ \* الَّذِينَ إِذا ذُكِرَ اللهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصّابِرِينَ عَلي ما أَصابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلاةِ وَمِمّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ } .

2 . از دنباله آيه : { فَإِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا . . . } استفاده مي شود كه چون معبود شما يكي است ، پس بايد تنها خاضع و تسليم او باشيد و ذكر او را بگوييد و توجه به غير نداشته باشيد .

3 . از تعقيب آيه پيشگفته تاآيه : { وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ . . . الَّذِينَ إِذا ذُكِرَ اللهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ . . . } ( 6 )

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . بقره : 200

2 . جامع السعادات ، ج2 ، ص345

3 . انفال : 2

4 . انفال : 2 ؛ بقره : 203 و 198 ؛ حج : 28 ، 34 و 36

5 . روح المعاني ، ج17 ، ص154

6 . حج : 35

15

به دست مي آيد كه نخستين صفت مخبتين ، همان توجه قلبي به خدا است كه بايد در مراسم حج براي حاجي حاصل شود .

نكته ديگري كه از اين آيه ( با توجه به اين كه در سياق آيات حج واقع شده ) به دست مي آيد ، اين است كه حاجي بايد در ايام حج بكوشد از مخبتين باشد ؛ آنان كه داراي چهار ويژگي ؛ « وجل » ، « صبر » ، « اقامه نماز » و « انفاق » اند .

مرحوم علامه طباطبايي در توضيح آن مي نويسد :

« جمله { وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ } اشاره به اين است كه هركس در حج ، اخلاص و حالت تسليم داشته باشد ، از مخبتين است و مخبتين طبق اين آيه ، كساني هستند كه وقتي نام خدا برده مي شود ، دلهايشان مملوّ از خوف پروردگار مي گردد و در برابر حوادث ، صبر و شكيبايي پيش مي گيرند و برپادارندگان نماز هستند و از آنچه كه خداوند به آن ها داده ، انفاق مي كنند . »

علامه ( رحمه الله ) مي فرمايد :

« انطباق اين صفات مخبتين ، با كسي كه حج خانه خدا را با حالت تسليم به جا مي آورد ، روشن است ؛ چون كه همه اين صفات در حج وجود دارد . » ( 1 )

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . الميزان ، ج14 ، ص375

16

از اين رو ، حضرت ابراهيم مقام تسليم را در كنار كعبه ، براي خود و ذرّيه اش درخواست نمود : « پروردگارا ! ما را تسليم فرمان خود گردان و از دودمان ما نيز امتي مسلمان قرار ده . » ( 1 )

از آيات ديگري كه دلالت بر بُعد معنوي و عرفاني حج دارد ، آيه اي است از سوره مباركه مائده كه خداوند فرمود : « اي كساني كه ايمان آورديد شعائر الهي را نقض نكنيد و حريم آنها را حلال نشمريد و احترام را نگه داريد و قرباني هاي بي نشان و يا نشاندار را حلال نشمريد و نيز احترام كساني كه براي به دست آوردن فضل پروردگار و جلب رضوان او به قصد زيارت خانه خدا حركت مي كنند ، نگه داريد و براي آن ها مزاحمت ايجاد نكنيد . » ( 2 )

روشن است كه « رضوان » در لغت به معناي رضايت كثير ( 3 ) است ، پس حاجي در اين سفر بايد به دنبال كسب رضوان الهي باشد كه مهمترين سرمايه براي هر بنده اي ، كسب رضايت مولي است ؛ { وَرِضْوانٌ مِنَ اللهِ أَكْبَرُ } ( 4 ) و محلّ كسب چنين رضايتي ، موسم با شكوه حج است ؛ چنانكه امام صادق ( عليه السلام ) در ضمن حديث مفصلي گفتند : « حج شعبه اي از رضوان الهي است . » ( 5 )

همچنان كه حضرت ابراهيم عرض كرد : « پروردگارا ! من بعضي از ذريّه ام را در سرزمين بيآب و علف ، در كنار خانه اي كه حرم تو است ، ساكن ساختم تا نماز را برپا دارند . » ( 6 ) از اين آيه نيز بُعد معنوي حج استفاده مي شود ؛ زيرا كه كلمات « غَيْرِ ذِي زَرْع » و « عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ » و « لِيُقِيمُوا الصَّلاةَ » اشاره به اين است كه غرض از اسكان ، زراعت و كسب و تجارت نيست ، بلكه اسكان در اين مكانِ فاقدِ هر نوع امكانات اوليه ، براي تقرّب محض الي الله و ممحّض شدن در عبادت اوست .

مرحوم علامه طباطبايي هم در مورد هجرت حضرت ابراهيم به اين سرزمين بي آب و علف فرمود : « براي اين كه ذريّه اش ممحّض در عبادت خدا شوند و مشاغل دنيا دلهايشان را مشغول نسازد . » ( 7 )

از اين رو ، اوّلين غرض و به قول بعضي از مفسران تنها غرضش را اقامه نماز ذكر كرد و چنانكه تكرار نداي « رَبَّنا » در « رَبَّنا لِيُقِيمُوا » و ذكر نماز از ميان شعائر ، براي اظهار كمال عنايت به اقامه نماز در جوار پروردگار است . همچنان كه از آيه : { وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطّائِفِينَ وَالْقائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ } ( 8 ) استفاده مي شود كه عمده عبادت حاجي در كنار خانه خدا ، بايد طواف و عكوف و نماز باشد .

بنابراين ، حاجي از همان آغاز ، كه نيت حج مي كند و از خود و خانه و كاشانه و همه

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . بقره : 127

2 . مائده : 2

3 . المفردات .

4 . توبه : 72

5 . بحار الأنوار ، ج96 ، ص29

6 . ابراهيم : 37

7 . الميزان ، ج12 ، ص77

8 . حج : 26

17

تعلّقات مادي جدا مي شود تا احرام و طواف و سعي و رمي و هدي ، همه جا خدا را مي جويد و در طلب وصال او ، شب و روز آرام ندارد ؛ اين سو و آن سو مي رود و در كوه و بيابان سرگردان مي شود تا در ميهمانسراي الهي ، آيات روشن الهي را با چشم جان ببيند ؛ { فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ } ( 1 ) و با سعي و تلاش انساني چون هاجر ، چشمه اي از معرفت برايش گشوده مي شود . پس ، هر كس كه قصد سفر الي الله را نموده ، بايد از ابتدا از هرگونه اموري كه با اين سفر ضديت دارد دوري جسته و دل را فقط متوجه خدا بنمايد ؛ چنانكه امام صادق ( عليه السلام ) در اين باره مي گويند : « به هنگام حج ، دل را براي خدا مجرد ساختن ، و از هر حجابي آزاد شدن و همه امور را به خدا سپردن و در تمام حركات و سكنات بر او توكل كردن و خود را با آب توبه شستشو دادن و دنيا و مافيها را رها ساختن ، از مقدّمات سفر الي الله است . » ( 2 ) يعني شرط نخستين اين سير ، بيرون آمدن از خود و تعلّقات مادي است و جهت تحقّق عملي آن از لحظه اول احرام ، بايد از انواع تعلّقات مادي و انواع امتيازات و تفاخرات و زخارف ، حتي از كفش و كلاه رها شود ، تا حالت فرشته گونه پيدا كند و فقط با دو تكه پارچه پاك و حلال ، با رمز مخصوص جواز عبور براي ميهماني و ملاقات با ربّ الارباب بگيرد . از اين رو ، لحظه جواز عبور گرفتن ، بسي حساس و سرنوشت ساز است ، كه اولياءالله در موقع گفتن لبيك رنگ عوض كرده و گريه مي نمودند كه نكند جواز عبور به آن ها داده نشود ؛ چنانكه امام صادق و امام سجاد ( عليهما السلام ) در اين لحظه به حالت غشي افتادند . وقتي علت را پرسيدند ، در پاسخ فرمودند : چگونه جرأت كنم كه بگويم « لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ » در حالي كه مي ترسم « لبيك » بگويم اما پاسخ « لا لبّيك » بشنوم . ( 3 )

لبيك را كسي مي گويد كه احساس حضور كند . در اتاق دربسته ، در حالي كه كسي نباشد « بله » نمي گويند . اگر لبيك گفته مي شود ؛ يعني در حضور او هستيم . او ما را صدا زده و ما پاسخ مي دهيم . از اين رو ، حضرت امام خميني ، عارف معاصر ، مي گويد : مهم آن است كه حاجي بداند كجا مي رود و دعوت چه كسي را اجابت مي كند و ميهمان كيست و آداب اين ميهماني چيست . ( 4 )

حاجي مي خواهد با احرامش ، حرم امن الهي در خويش به وجود آورد و وجودش را براي غير خدا منطقه ممنوعه اعلام كند ؛ { . . . وَمَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً . . . } ( 5 ) تا براي هميشه بر روي غير خدا ممنوع گردد . ميزبان زائران ( خداوند ) فرمود :

« كساني كه ( به واسطه احرام ) حج را بر خود واجب نموده اند ، بايد از هرگونه تمتّعات جنسي و

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . آل عمران : 97

2 . بحار الأنوار ، ج96 ، ص124

3 . محجّة البيضاء ، ج2 ، ص201 ؛ المراقبات ، ص204

4 . حج در كلام و پيام امام خميني ، ص12

5 . آل عمران : 97

18

انجام گناه و گفتگوهاي بي فايده و جرّ و بحث هاي بي ارزش اجتناب كنند . » ( 1 )

مسائل معنوي و عرفاني حج ، هرگز تمام شدني نيست و رسيدن به مقامات عالي در حج ، وقف احدي نيست بلكه بستگي به سعي و تلاش ، همت و خلوص و سوز و گداز زائران دارد . و زائر خانه خدا بايد بداند اگر كسي در اين بُعد از حج ، كه مهمترين ابعاد حج است ، موفق نگردد ، در ابعاد ديگر هم چندان موفق نخواهد شد ؛ چنانكه حضرت امام خميني ( قدس سره ) ، احياگر حجّ ابراهيمي ـ محمدي ، در اين باره مي گويند : « تحصيل ابعاد ديگر ، در گرو تحصيل بُعد معنوي حج است . بُعد سياسي و اجتماعي حج حاصل نمي شود ، مگر آن كه بُعد معنوي و الهي آن جامه عمل بپوشد . » ( 2 )

بنابراين ، حاجي نبايد تنها اين بدن را از راه دور حركت داده و به ميقات و مطاف و مسعي و عرفات و مشعر و منا رساند ، اما با جان خالي از معارف آسماني و دست تهي از بهره معنوي حج ، با كيف هاي پر از عروسك و اسباب بازي برگردد ؛ ( 3 ) « فَوا أَسفاه مِن خجلتي وَافْتضاحي » . ( 4 )

كسي كه با پا به كعبه رود ، با پا طوافش كند و آن كس كه با دل رود ، با دل طواف مي كند . حاجي اگر در موسم حج به خود نپردازد و از خودبيني رها نشود و به خودسازي همت نگمارد و از احرام تا حلق و تقصير و طواف ، خود را از آلودگي ها خلاصي نبخشد ، كي مي تواند ؟ !

اگر پيش و پس از حج متحوّل نشود ، پس كي . . . ؟ حج فراموش كردن خود در راه خدا و ذوب شدن « من » ، در « ما » است .

2 ـ بعد فرهنگي حج

موسم حج ، علاوه بر رسيدگي به امور معنوي ، يكي از مناسب ترين ايام براي مبادله فرهنگي و انتقال ارزش ها در ميان مسلمانان جهان است كه آثار و بركاتي از اين راه نصيب اسلام و مسلمين مي گردد و سبب رشد و شكوفايي زائران خانه خدا را فراهم مي آورد ؛ زيرا كه ايمان و بينش ديني حج گزار در گذرگاه هاي حج ، از ناخالصي ها جدا و اصلاح مي گردد و در نتيجه ، حج گزار به فرهنگ ناب محمدي دست مي يابد ؛ چون حج ، دوره عمليِ آموزش دين براي هر زائر است و تا مسلمان آن را در تمام عمر دست كم يك بار پياده نكند ، به حقيقت ايمان نمي رسد . از اين رو ، گفته اند : « تارك حج در صف يهود و نصاري قرار مي گيرد . » ( 5 ) و در

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . بقره : 197

2 . حج در كلام و پيام امام خميني ( قدس سره ) ، ص10

3 . حج در كلام و پيام امام خميني ( قدس سره ) ، ص11

4 . مفاتيح الجنان ـ مناجات تائبين .

5 . نور الثقلين ، ج1 ، ص374

19

مقابل ، حج و عمره عامل مؤثر براي اصلاح ايمان و تقويت دين معرفي شده است ؛ ( 1 ) چه اين كه حج مروري است بر توحيد و تاريخ حاميان آن ؛ از آدم تا ابراهيم و خاتم و درگيري مدام ايمان است با كفر و نفاق .

هر يك از اعمال حج و مكان هاي مقدس ؛ از حرم ، ميقات ، مكه ، كعبه ، سعي ، عرفات ، مشعر ، منا و . . . با انسان سخن مي گويند و حاجي را به انديشه وا مي دارند و آگاهي هاي لازم را به او انتقال مي دهند و سر انجام سبب بينش توحيدي ، كه اساس همه مسائل است مي گردند .

از سوي ديگر ، در حج آموزش عمليِ فرهنگِ برابري ، مساوات ، اخوت ، تعاون و طرد هر گونه تفرّق و نفاق داده مي شود ؛ يعني به حاجي مي آموزند كه علي رغم تفاوت هايشان در رنگ و پوست و نژاد و زبان و مقام و ثروت ، همه در نزد خداوند مساوي هستند . خطبه هاي پيامبرخدا ( صلّي الله عليه وآله ) در حَجّة الوداع شاهد روشن و واضح بر اين مدعاست كه فرمود : از نظر اسلام همه مردم با همه برابرند ؛ عرب بر عجم و عجم بر عرب ، هيچ فضيلتي ندارد ، جز به تقوي . . . مسلمان برادر مسلمان است . ( 2 )

و در يك كلمه ، بزرگترين و مهمترين فرهنگي كه در ايام حج به حاجي منتقل مي گردد ، فرهنگ توحيد خالص ابراهيمي ـ محمدي است .

آياتي كه بُعد فرهنگي حج از آن استفاده و برداشت ، مي شود عبارت اند از :

{ جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرامَ قِياماً لِلنّاسِ . . . } ؛ « خداوند كعبه را ، كه خانه محترم است ، وسيله اي براي سامان بخشيدن به كار مردم قرار داد . . . » ( 3 )

{ وَأَذِّنْ فِي النّاسِ بِالْحَجِّ . . . \* لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ . . . } ؛ « اي ابراهيم در ميان مردم اعلان عمومي براي حج كن تا پياده و سوار بر مركب هاي لاغر از هر راه دور ، قصد خانه خدا كنند تا شاهد منافع گوناگون خويش در اين برنامه حياتبخش باشند . » ( 4 )

دقت دراطلاق دو كلمه « قيام » و « منافع » باعث رهنمون شدن به مطلب وسيع و گسترده اي مي گردد كه قوام و حيات جامعه بشري و تأمين هر نوع منافع انسان ها در گرو تحقّق مراسم با شكوه حج است . چه چيزي بالاتر و مهمتر از فرهنگ جامعه ، كه قوام و حيات جامعه در گرو فرهنگ آن جامعه است . چه منافعي عزيزتر و با ارزش تر از منافع فرهنگي ـ عقيدتي ! بلكه آن منافعي كه اساساً با اين فريضه الهي و امكنه مقدس تناسب دارد ، كه همان ايمان و ارزش هاي الهي است . شاهد قوي و گوياي آن اين است كه بُعد فرهنگي در جوامع روايي به عنوان يكي

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . بحار الأنوار ، ج96 ، ص25 و نهج البلاغه ، حكمت 244

2 . تحف العقول ، ص30

3 . حج : 27

4 . حج : 28

20

از مهمترين علل و فلسفه هاي حج مطرح شده است ؛ چنانكه امام صادق ( عليه السلام ) در جواب هشام بن حكم در مورد حكمت هاي حج فرمود : خداوند متعال به وسيله حج ، زمينه اجتماع مردم مشرق و مغرب را فراهم كرد تا همديگر را بشناسند و تفاهم كنند . . . و براي اين كه آثار پيامبر گرامي ( صلّي الله عليه وآله ) شناخته شود و اخبار و گفتار وي احيا گردد تا به دست فراموشي سپرده نشود . جالب اين كه امام در دنباله آن ، دليل اين مطلب را هم بيان مي كنند كه :

« اگر هر قوم و ملتي تنها از كشور و بلاد خويش سخن بگويند و تنها به مسائل اختصاصي خود بينديشند ، همگي هلاك مي گردند و كشورهايشان ويران مي شود و از بسياري از منافع و سودها و اطلاعات و اخبار محروم مي شوند ، اين است فلسفه و دليل كنگره جهاني حج . » ( 1 )

بنابراين ، يكي از علل حج ، شناخت و آشنايي مردم با آثار و احاديث رسول الله ( صلّي الله عليه وآله ) و زنده نگهداشتن و به دست فراموشي نسپردن آنهاست ؛ در واقع ، حج مروري بر توحيد و حاميان آن ؛ از آدم تا ابراهيم و خاتم است و تابلويي براي تمام فداكاري هاي قهرمان توحيد و پيامبر گرامي ( صلّي الله عليه وآله ) است كه حاجي با ديدن اين صحنه ها و مكان ها ، پيام مي گيرد .

از سوي ديگر ، ايام حج فرصتي است بسيار مناسب براي تبليغ فرهنگ اصيل اسلام ، در ميان قشر وسيع و قابل توجهي از مسلمين ، كه از اطراف و اكناف عالم در اين نقطه اجتماع كرده اند و اصولاً از مقدمات اوليه حج تعلّم بسياري از مسائل اسلامي است كه به نوبه خود ، به علماي متعهّد اسلام امكان مي دهد تا از استقبال مردم براي تعليم و ارشاد و نشر فرهنگ غني اسلام استفاده كنند .

در واقع ، حج آموزشگاهي است كه هر سال داير مي گردد و مؤسس آن خداوند منان و اساتيد آن انبيا و ائمه معصوم و علماي متعهّد اسلام اند كه معارف اصيل و ناب را به كام تشنگاني كه از سراسر عالم در اين مكان گرد هم آمده اند ، مي ريزند ؛ چنانكه سيره عملي انبيا ( عموماً ) و پيامبر خاتم و ائمه گرامي ( عليهم السلام ) ( خصوصاً ) بر اين منوال بود كه از اين كنگره عظيم حج در جاي جاي مواقف و مشاعر به نحو نيكو و درست استفاده كنند و شايد يكي از علل موفّقيت پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) در نشر و گسترش اسلام به سراسر عالم ، اين بود كه در مدّت سيزده سال اقامت در مكه ، با نمايندگان و سران قبايلي كه از اطراف عالم براي اداي حج به مكه مي آمدند ، تماس برقرار كنند و به تبليغ بپردازد كه بعضي از مورّخان نمونه هايي از اين قبيل ذكر كرده اند . ( 2 )

همچنانكه امامان معصوم ( عليهم السلام ) نيز از اين مرتبت استفاده مي كردند كه به نمونه هايي ازآن

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . وسائل الشيعه ، ج11 ، ص14

2 . سيره ابن هشام ، ج1 ، ص422

21

اشاره مي شود :

ـ پيام رساني و تبليغ حضرت علي ( عليه السلام ) در سرزمين منا ، در ضمن تلاوت آيات برائت .

ـ تبليغ امام حسين ( عليه السلام ) در موسم حج ، براي بيان رسالت خود و اوضاع سياسي جامعه و وضعيت يزيدبن معاويه ، كه براي تحقّق اين هدف ، چند ماه در مكه توقف كرد تا حجاج از سراسر دنيا در موسم حج گِرد هم آيند .

ـ تبليغ امام صادق ( عليه السلام ) در عرفات ، در ميان انبوه جمعيت ، كه با صداي بلند رو به هر طرف نمود و در هر بار سه مرتبه مي فرمود : « اي مردم ، رهبر شما پيامبر خدا ، بعد حضرت علي ، سپس امام حسن و امام حسين و امام سجاد و امام باقر و فعلاً من هستم . پس از من سؤال كنيد . » ( 1 )

ـ امام صادق ( عليه السلام ) در موسم حج خيمه اي مي افراشتند و دانشمندان آن روز به حضورش مي رسيدند و شيوه مبارزه با مفاسد فكري و اعتقادي را مي آموختند . در مقابل ، مسلمانان و علما هم در ايام اختناق ، اين فرصت ها را مغتنم شمرده ، در موسم حج شركت مي كردند و از محضر ائمه ( عليهم السلام ) بهره مي بردند . گواه روشن آن ، مباحثات عقيدتي و فقهي ائمه ( عليهم السلام ) و صحابه و تابعين و علما در موسم حج است كه به افتا ، تدريس و مناظره مي پرداختند .

پيام هاي حضرت امام خميني ( قدس سره ) ، مقام معظم رهبري ـ مدّظله ـ در هر سال ، به حجاج بيت الله الحرام نيز در همين راستا است .

بنابراين ، ايام حج ، فرصت بسيار مناسب و استثنايي براي تبليغ و نشر فرهنگ اصيل اسلام در ميان قشر وسيع و قابل توجهي از مسلمانان است ؛ هم تبليغ گفتاري و هم بررسي مسائل مختلف اسلامي به وسيله برجسته ترين افراد از نظر علم و تقوي ، و هم مبارزه با ريشه هاي فرهنگ استعماري وخنثي نمودن هرگونه توطئه ونقشه هاي شوم بر ضدّ اسلام ناب محمدي ( صلّي الله عليه وآله ) است . همچنانكه پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) در جريان فتح مكه و حَجّة الوداع ، فرهنگ جاهليت را در گفتار و رفتار ريشه كن كرد .

نكته ديگري كه در بُعد فرهنگي حج نمايان است ، مسأله پيام رساني است . حاجي و زائر خانه خدا ، علاوه بر اين كه معارف اصيل اسلام و آيات روشن الهي را مشاهده و پيام را دريافت مي كند ، ( 2 ) بايد اين پيام را به عنوان « ره توشه حج » با خود به همراه برده و در محيط و شهر و آبادي خود نشر دهد ؛ چه اين كه پيامبرخدا ( صلّي الله عليه وآله ) در حَجّة الوداع خطاب به مردم فرمود :

« بايد اين مطالب و معارف را حاضران به آنان كه حضور ندارند و غايب اند ، انتقال دهند .

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . فروع كافي ، ج4 ، ص466

2 . حج : 29 و آل عمران : 97

22

همانطور كه امام حسين ( عليه السلام ) در سال 58 هجرت ، دو سال پيش از مرگ معاويه ، در سرزمين منا ، در ميان جمعيت هزار نفري ، بعد از انتقاد از وضع موجود ، گفتند :

« گفتارم را بشنويد و به خاطر بسپاريد . آنگاه كه به محلّ سكونت خود برگشتيد ، پيام مرا به افرادي كه مورد اطمينان هستند ، برسانيد . » ( 1 )

همچنين علي بن موسي الرضا ( عليهما السلام ) در ضمن بيان علل و فلسفه حج گفتند :

« در حج ، تفقّه و آشنايي با دين و گسترش فرهنگ اهل بيت به تمام نقاط ، نهفته است ؛ « مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّفَقُّهِ وَنَقْلِ أَخْبَارِ الاَْئِمَّةِ ( عليهم السلام ) إِلَي كُلِّ صُقْع وَنَاحِيَة » . ( 2 )

يعني در حج ، هم پيام گيري است هم پيام رساني و در واقع بهترين و مؤثرترين رسانه گروهي جامعه اسلامي است . اما نكته قابل توجه اين است كه امام ( عليه السلام ) در بيان اين مطلب ، تمسّك به آيه ذيل نمودند ؛ چرا از هر گروهي ، طايفه اي از آنان كوچ نمي كنند تا در اين امر دين تفقّه نمايند و به هنگام بازگشت به سوي قوم خود ، آن ها را انذار نمايند تا شايد ( از مخالفت فرمان الهي ) بترسند و خودداري كنند ؛ { . . . فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَة مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ } . ( 3 )

نعمت بهره برداري از معارف و فرهنگ ناب محمدي در مراسم حج مختص به مسلمين ، كه توفيق حضور دارند نيست ، بلكه آن ها موظف اند اين فرهنگ را به عنوان بهترين سوغاتي با خود برده و در منطقه خود نشر دهند و بدين وسيله نقش فرهنگي حج با توجه به تكرار آن در هر سال ، ابعاد گسترده تري پيدا مي كند و در نهايت عامل قوي براي تقويت دين و ضامني جاودانه براي فرهنگ اصيل اسلام خواهد بود و در نتيجه فرمايش امام صادق ( عليه السلام ) كه گفتند : « تا كعبه برپاست دين هم استوار است » ؛ « لاَ يَزَالُ الدِّينُ قَائِماً مَا قَامَتِ الْكَعْبَة » ، جايگاه خودش را پيدا خواهد كرد .

بنابراين ، يكي از اهداف و ابعاد عالي حج ، آشنايي بيشتر و عميق تر مردم با مسائل اسلامي و انتقال اخبار و پيام هاي حج به سراسر عالم است . حج آموزش چند روزه است براي آماده سازي فرد در پهنه زندگي . حج تابلويي از تمام فداكاري هاي قهرمان توحيد و پيامبرخدا ( صلّي الله عليه وآله ) است كه با ديدن صحنه و امكنه تبليغ مي شوند و پيام مي گيرند ، سپس به سراسر عالم نشر مي دهند . حج يك دانشگاه و دانشسراي عالي فرهنگي است كه فرهنگ خودسازي ، امنيت ، عدالت اجتماعي ، ايثار ، مقاومت ، نظم و انضباط ، اتحاد و مساوات و . . . به حاجي تعليم

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . احتجاج طبرسي ، ج2 ، ص296

2 . نور الثقلين ، ج2 ، ص283

3 . توبه : 124

23

داده مي شود و عملاً به مسلمين مي آموزند كه چگونه مي توان از نيروهاي پراكنده ، قدرت واحدي به وجود آورد ؛ چنانكه حضرت رسول ( صلّي الله عليه وآله ) در حَجّة الوداع اين قدرت را به معرض نمايش گذاشت . حج محلّ زنده كردن آثار رسول الله است « وَ لِتُعْرَفَ آثَارُ رَسُولِ اللَّهِ ( صلّي الله عليه وآله ) وَ تُعْرَفَ أَخْبَارُهُ وَيُذْكَرَ وَلاَ يُنْسَي » و حج محل تعليم علوم اهل بيت و نشر آن به سراسر جهان « مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّفَقُّهِ وَنَقْلِ أَخْبَارِ الاَْئِمَّةِ ( عليهم السلام ) إِلَي كُلِّ صُقْع وَنَاحِيَة » مي باشد .

حضرت امام خميني ( قدس سره ) ، احياگر حج ابراهيمي ، درباره بُعد فرهنگي حج فرمودند :

حج كانون معارف الهي است . . . حج بِسان قرآن است كه همه از آن بهره مند مي شوند ، ولي انديشمندان و غواصان و درد آشنايان امت اسلامي اگر دل به درياي معارف آن بزنند و از نزديك شدن و فرو رفتن در احكام و سياست هاي اجتماعي آن نترسند ، از صدف اين دريا گوهرهاي هدايت و رشد و حكمت و آزادگي را بيشتر صيد خواهند نمود و از زلال حكمت و معرفت آن تا ابد سيراب خواهند گشت . ولي چه بايد كرد و اين غم بزرگ را به كجا بايد برد كه حج بسان قرآن مهجور گرديده است . و به همان اندازه اي كه آن كتابِ زندگي و كمال و جمال در حجاب هاي خود ساخته ما پنهان شده است و اين گنجينه اسرارِ آفرينش در دل خروارها خاك كج فكريهاي ما دفن و پنهان گرديده است و زبان انس و هدايت و زندگي و فلسفه زندگي ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل كرده است ، حج نيز به همان سرنوشت گرفتار گشته است ، سرنوشتي كه ميليونها مسلمان هر سال به مكه مي روند و پا جاي پاي پيامبر و ابراهيم و اسماعيل و هاجر مي گذارند ، ولي هيچ كس نيست كه از خود بپرسد ابراهيم و محمد ( عليهما السلام ) كه بودند و چه كردند ؛ هدفشان چه بود ؛ از ما چه خواسته اند ؟ » ( 1 )

پي نوشت ها

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . حج در كلام و پيام امام خميني ، صص72 و 73